یکشنبه هفتم شعبان سنه ۱۲۸۸ هجری
دار الطباعه خاصه دار الخلافه همایون
قبول اخبار و اعلانات تا هر روزه قبل از ظهر

قیمت فی نمره — اکبر ماه فرانسه
اداء قیمت — سه قسط
قیمت اعلان — سطری [illegible]



اعلان دولتی

[در] سایر دول رسم است مقصرین که جنایات ایشان ثابت شده [باش]د جلای وطن داده بجاهای صعب و سخت بطور حبس میفرستند مثل اینکه [دو]لت روس بسیبیر و دولت فرانسه به کاین روانه میکنند دولت [علیه] ایران هم از تاریخ حال ببعد اشخاصیکه جنایت کرده باشند یا مقصر شده [باش]ند بعد از تحقیق و ثبوت بقلاع محکم بمپور و سایر بلوچستان و سیستان خواهد فرستاد

اعلان دیگر

[حس]ب الامر الاقدس الاعلی سابقا امر و مقرر شده بود که دار الترجمه همایونی [انعق]اد یافته و جمعی مترجمین ایرانی که بفرنگستان رفته بمراقبت و توجه اولیای دو[لت تربی]ت یافته اند و مترجمین خارجه که از دول مختلفه بدربار همایون آمده اند مجمع [شون]د باین تفصیل (آقا میرزا رضای کاشانی (مسیو نپردسکی) میرزا مارتین [خا]ن (میرزا علیخان) میرزا علیقلی (مار دروسخان) بترجمه و خدمات مرجوعه [مشغول ب]اشند و حسب الامر الاعلی از تاریخ بیستم شهر شعبان المعظم دار الترجمه [همایون ب]سمت انعقاد خواهد یافت و در سایه عنایت بندگان اقدس اعلیحضرت [قوی‌شوکت ق]درقدرت شاهنشاهی سوای دوشنبه و جمعه مجلس دار الترجمه منعقد خواهد بود [و بجهت ر]واج السنه مختلفه و ترقی این صنعت در مملکت محروسه مقرر و اعلان [میش]ود که در ایام تحصیل همه روزه از دو ساعت بغروب مانده تا هنگام غروب [مترجم]ین داخله و خارجه از چهار زبان تدریس مینمایند زبان فرانسه) زبان [انگلی]س زبان روس) ترکی اسلامبولی و هرکس از اعالی و ادانی در وقت [معین] در دار الترجمه حاضر شود بدون اینکه چیزی از او خواسته باشند قبول نموده مجانا او را بهریک از این چهار زبان میل باشد می آموزند محض اعلام عمومی در این روزنامه مبارکه سمت انطباع یافت

پس از عرض این فقره خدمت اولیای دولت قاهره جناب جلالتمآب سپهسالار اعظم اجرای این امر و انطباع این اعلان مطبوع طبع افتاده در ذیل سواد آن بخط خود مرقوم داشته بودند

آفرین به صنیع الدوله فکر خوبی کرده است انشاالله
در سایه همایون شاهنشاه ظل الله روحنا
فداه نتایج خوب خواهد داد غره
شعبان المعظم سنه ۱۲۸۸

اخبار رسمیه

دربار همایون روز شنبه بیست و نهم جمادی الآخره علمای اعلام و مجتهدین ذو العز و الاحترام مفصله الاسامی بحضور مهر ظهور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه تشرف جستند) جناب آقا سید صادق مجتهد جناب صدر العلما) جناب امام جمعه) جناب حاجی ملا رفیع مجتهد رشتی (وزرای عظام نیز در این روز در شورای خاص حضور همایون مشرف گردیدند

حاجی ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی از طرف قرین الشرف همایون بوزارت عدلیه سرافراز گردید

بقیه روزنامه سفر مازندران
که بدستخط مبارک مرقوم
شده
۱۲۸۳

روز چهار شنبه غره محرم الحرام امروز در آمل توقف است صبح هوا با آنکه ابر نبود مملو از گرفتگی و خفگی داشت غبار آلود و گرم بود بنا بود ناهار در اوجی آباد

بقیه تفصیل مسافرت کاپیتان اطراس بسمت قطب شمالی در سنه ۱۸۶۰ مسیحی — ترجمه بنده درگاه محمد حسن

فصل دهم کشتی فروارد در اواسط تابستان قریب بجزیره بشی که مقصد اصلی ملاحان و مطمح نظر اطراس بود رسید بجهة وصول بجزیره مزبوره [ب]اید از عبور خلیج دوفلد بودند نسبت بسایر خلیجهای دریای شمال تنگ تر و بدین واسطه عبور سفاین از آنجا صعب تر بود و پارچهای یخ را که باد شمال از قطب بسمت [جنوب] متمایل میراند بسبب ضیق معبر در خلیج دوفلد روی هم بنوعی متراکم شده بود ند که عبور غیر مقدور بود اطراس که بجهة وصول بجزیره دبشی طریقی جز [این] نداشت و اگر هم بود اقلا دو ماه دیگر کشتی فروارد باید رجوع قهقرا نموده طی طریق کند و بعلاوه خلیجهائی که باید عبور از آنها نمود چون فصل پائیز در پیش [بو]د از رسیدن بجزیره مذکور ممکن نبود ناچار بعد از مشاوره با صاحبمنصبان کاپیتان اطراس قرار داد که آتش کورهای بخار را خاموش نکنند و دیگ را [ه]میشه در جوش داشته منتظر فرصت برند که هر وقت باد مراد وزیدن گرفت و قطعات آگنده یخ را پراکنده ساخت علی الفور کشتی را حرکت داده [ب]مقصد اصلی سازند پنج روز تمام از صبح تا شام باین امید و نوید بسر برده روز چهارم از حالت ملاحان استنباط سرکشی داز ناصیه ایشان مشاهده طغیان [آشک]ار و هرقدر پر بود آنها را ساکت کرده منتظر فرج بود که بخت بلند او را یاری کرده ظهر روز پنجم باد شدیدی وزیدن گرفته قطعات متراکم یخ را منفصل ساخت

صرف شود موقوف شد محاسبات میرزا صادقخان استراباد را با اعتضاد الدوله ملاحظه نمودیم پس از آن علماء آمل باین تفصیل بحضور آمدند آقا میرزا حسن مجتهد نیاکی (ملا ابوطالب اسکی) ملا حسین رستاقی (ملا نبی رستاقی) آقا شریف پسر مرحوم ملا صابر) قدری با آنها صحبت شد مرخص شده رفتند بعد بنای تعزیه داری خامس آل عبا حضرت سید الشهدا علیه السلام شد روضه خوانها بدینموجب بحضور آمدند دو پسر بزرگ و کوچک مرحوم سلطان الذاکرین (ملا آقا جان کاشی (سید محلاتی) پسر ملا صادق ترک (پسر مرحوم ملا قاسم رشتی) برادر مرحوم حاجی میرزا احمد) سید ابوطالب خراسانی (ملا آقا کوچک) هر یک روضه خوانده رفته پیشخدمتان در حضور بودند پس از مراسم عزا اندکی آسایش نموده خوابیدم سه ساعت بغروب مانده سوار شده باوجی آباد رفتیم اعتضاد الدوله یحیی خان (علیرضا خان) آقا علی (ادیب الملک) حاجی میرزا علی (سلیمان خان) محمد رحیمخان) عمله خلوت و بعضی نوکرها در رکاب بودند در اوجی آباد اول وارد دیوانخانه خوبی شدیم تالار و حوض باشکوهی داشت مرحوم عباسقلیخان لاریجانی ساخته بود بعد وارد باغ کوچک دیوار کوتاه باروح و صفائی شدیم خیلی خوش وضع درختهای مرکبات قدیم را بریده پیوند نموده بودند باغ هم جدید البنا بود از آنجا بخلوتی کوچک رفتیم همه گل سرخ بود در حقیقت گلستانی خوب منظر خوش اسلوبی بود آینه خانه داشت اگرچه کم آینه بود اما بد وضع نبود این خلوت و باغ کوچک از بناهای این عباسقلیخان پسر مرحوم عباسقلیخان قدیم است عصرانه آوردند اندکی خوردیم درخت پرتقال خوبی ملاحظه شد خیلی باطراوت و شکوه بعد سوار شده بجانب منزل عزیمت نمودیم اسباب شکار خوک و شکارچی هم موجود بود ولی محض احترام محرم که ماه حزن و ماتم است رغبت بشکار نمودیم اعتضاد الدوله از دنبال آمده خوکی شکار نموده بود پس از ورود بمنزل بحمام رفته در حمام نماز نموده مقارن غروب از حمام بیرون آمدیم پس از شام قورق شد نظیر الدوله (میرزا هدایت مستوفی) وکیل لشکر اعتضاد الدوله) حاجب الدوله احضار شدند مقرر شد که اردو را نصف کنند این اشخاص و بعضی غلامان و سوارها با اعتضاد الدوله از علی آباد مرخص شده از راه نهر کجور رود بار بطهران بروند بعد از این قرارداد میل بآسایش نموده خوابیدم

اخبار ولایات

کرمان

وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان محض رفاه حال مردم و تحصیل دعای بقای عمر و دولت ابد مدت همایون حکم نموده هم ... گندم فراوان از اطراف بشهر می آورند و در میدان شاه و کاروانسرا ... شهر بفقرا البد بقیمت ارزان میفروشند و نان و سایر مأکولات نیز در بازار خوب و فراوان است اما برنج قدری گرانست

بحمد الله تعالی تسعیرات روز بروز در تنزل است و امور ولایت نظم کامل ... و محصولات صیفی بسیار خوبست

سابقاً بعضی مردمان غیر متدین بنای ساختن نوشتجات شرعیه گذاشته ... کشف مسئله وکیل الملک مرتکبین را تنبیه و متشرعین را تنبیه نموده اندو ... امور شرعیه منظم است

از قراریکه اسمعیل خان ضابط رفسنجان و پاریز و انار و ناظم امور ... کرمانشاهان و شمش و زین الدین نوشته بوده هجده نفر سوار از مزرعه ... گذشته بطرف فهرج رفته بودند چهار نفر از اهل یزد و غیره که با قافله ... دچار شده و آن بیچاره ها را مقتول و اموال آنها را منهوب نموده ... چون عبور ایشان بمیانه شمش و کرمانشاهان می افتد قراول تفنگچیان ... سرکرده قراولان از اجزا میدها حسین بیک با نه نفر تفنگچی حاضر بتعاقب ... شتافته و در هنگام غروب آنها را بحالتی یافته بود که مشغول خوردن ... دزدی بوده اند بغتةً در میان ایشان شلیک نموده آنها را تلخ کامی ... میانه شتران مسروقه خارج نمود هفت نفر شتر با بعضی اموال مسروقه ... گردانیده بود و از همان شلیک یکی از آنها گرفتار تیر شده و نیز اسب ... دزدان تیر آمده بود بالجمله تنخواه را بصاحبانش رسانده قبض وصول ... داشته است اگرچه گفته بودند که چهارصد تومان نقد از مال حاجی ... و هفتاد تومان جنس از آن مجوس در میان اموال بوده که دزدان ... گیرودار از میانه ربوده اند و ترک اسب بسته از چنگ تفنگچیان ... وکیل الملک محض اطلاع از این خبر علاوه بر بیست و پنج نفر سوار و چهل ... جمازه سوار معمول نموده بجهت حفظ و حراست دماء و اموال قوافل ...

اندک معبری از تنگنای یخ پدیدار شد اطراس فرصت غنیمت یافته بلا تأمل حکم براندن کشتی داد بیست و هشت ساعت تقریباً باکمال سختی راه پیموده ... عصری بدماغه والکس واصل شدند از عجایب آنکه باوجودیکه نسبت بخلیج دوند بقطب شمال نزدیکتر شده بودند در دماغه والکس برف بود ... قطعات یخ و جمیع اراضی ساحل سرخ رنگ بود بطوریکه آب دریا از انعکاس کوههای اطراف سرخ رنگ شده بود بهرجا که نظر می افکندند ... تمام ملاحان حتی کاپیتان اطراس از این فقره حیرت داشتند مگر ژوئنون که در سنه ۱۸۵۵ مسیحی در کشتی موسوم به فوکس بسمت ملاحی باین نواحی ... از کیفیت مطلع بود دکتر کلاونی چنانچه مکرر ذکر شد و را احساس و مشاهده غرایب فی الواقع بکنوع فتوری داشت حالت بی اعتنائی ژوئنون زاید ... رفته گفت بچه دلیل از مشاهده چنین چیز بدیعی که همه را در حیرت انداخته تو آسوده نشسته هیچوجه اظهار شگفتی نمیکنی ژوئنون گفت این حیرت که شما ... هیچ دلیل ندارد جز اینکه اراضی اطراف این دریا خاک سرخ رنگ است و چون ما در کنار ساحل عبور میکنیم و عکس جبال و اراضی مرتفعه اطراف ... افتاده چنین گمان میکنیم که در هوا حمرتست دکتر کلاونی بعد از قدری تفکر دانست که ژوئنون در قول خود صادق است ... تفصیل آگاه کرد اینده همه آسوده شدند دو ساعت از شب گذشته کشتی فرود وارد شکه بادود گردید کاپیتان اطراس ... ملاحان را در اطاق خود احضار کرده نقشه مبسوط قطب شمالی را که با خود داشت گشوده بآنها نموده بشارت داد که منتهای مسافت تا جزیره بشی سه چهار میل ...

مهرداری و حاملین وجوه امانت و چاپاران فرستاده اند

عوض دستجات سرباز فوج شوکت را که در یزد ساخلو بودند وکیل الملک تدارک نموده در اواخر ماه گذشته بدار العباده فرستاده است

توپچیان افشار در میدان توپخانه همه روزه با کمال شکوه بمشق نظام مشغول و امور قورخانهٔ کرمان منتظم و مضبوط است و اسبان توپخانه را خوب نگاهداری نموده و مینمایند

فوج قدیم کرمان در خارج دروازهٔ ارک با کمال نظم و شکوه بمشق نظامی مشغول میباشد علی آقای سرهنگ فوج مزبور در نظم امور خدمات شایسته و مراقبات بایسته منظور میدارد و وکیل الملک از خدمات مشار الیه راضی بوده است

مواجب نه ماهه فوج مزبور را حواله نموده و سیورسات آحاد و افراد را ماه بماه بدقت میرسانند (ملبوس و کلاه و لیچین فوج مزبور تمام شده تماما بفوج داده اند

اخبار غیر رسمی

مراسله

سواد کاغذ میرزا عبد الرحیم خان ساعد الملک وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیهٔ ایران مقیم دربار دولت روس است که از پطربورغ بروزنامه نگار نوشته اند مورخهٔ ۱۲۹۸ (؟)

آقای من دو چیز در دنیا موجب ترقی و تربیت ملل شده اول تقبیح اعمال شنیعه دوم تحسین اعمال حسنه و این دو امر معظم را هیچ چیز در دنیا نمیتواند چنانکه لازم است پرده از روی آن بردارد مگر دستگاه روزنامه که عمده ترین امانت پادشاهان رعیت پرور است دستگاه روزنامه در حقیقت آینهٔ احوال همان مملکت است و کمال بی انصافی خواهد بود که عیب خطاکار از عدم اصلاح و ملامت در ترقی باشد و اعمال صواب کار از عدم تحسین در ضعف و تنزل بماند با اینحالت همیشه ملت در حالت بی ترتیبی باقی خواهد بود از مراسلهٔ شما چنان مفهوم میشد که تاملی در بیان اعلام برخی از حالات ناگوار داخلهٔ مملکت دارید که مبادا موجب رنجش کسی اند داخله شود این خیالات شما با آنهمه علم و اطلاعات که دارید کمال منافات را دارد اولا این فقره را باید شما خوب بدانید از جزئی و کلی احوالاتی دول نیست که در اروپا منتشر نشود و ثانیاً در کدام مملکت اروپاست که لاینقطع و علی التوالی عیبهای غریب و جرم و خیانتهای عجیب هر روز بروز نکند معایب موجب ننگ هیچ دولتی نمیشود ننگ دولتی وقتی است که در مقام تنبیه و اصلاح معایب اتفاقیه برنخیزد و بحمد الله سلیقهٔ بلند پادشاه دین پناه در مراسم حفظ ناموس ملک و ملت و مراقبت ایشان در رفع معایب و اصلاح احوال خلق و استقرار نظم و آسایش اهالی ایران هرگاه در نظر اهالی اروپا مجهول باشد و یقیناً نیست در نظر جمیع مردم و تاریخ دانان ایران مخفی و پوشیده نیست و حال آنکه در نزد همه دول متحابه مشهور و معروف است که ایران در عمر گذشته خود چنین پادشاه با حسن نیت و رعیت پروری ابداً نداشته است باری حالا که دستگاه روزنامهٔ دار الخلافه از حسن نظر و انتخاب اولیای دولت علیه بدست شما سپرده شده که آگاه از اوضاع داخل و خارج است قدری قدم همت پیش گذارید و احوالات داخله را سعی دهید بلکه انشاء الله روزنامه شما اصلاح بعضی معایب را که همیشه در پردهٔ خفا بوده بوجه کامل نماید امیدوارم

اینمراسله بی غرضانهٔ من باعث ازدیاد سلیقهٔ شما گردد زیاده چه زحمت دهد مورخه شهر رجب المرجب

خارجه

روس در روزنامهٔ سنت پطرزبورغ مسطور است که از جهة بروز و ظهور مرض وبا در مسکو مجمع حافظ الصحه مریضخانهای موقتی چند در جمیع محلات شهر مقرر نموده و اطبای حاذق بجهة مواظبت مرضی قرار داده اند اسامی اطبای شهر را ثبت نموده و بدیوارهای محلات چسبانیده اند که مردم مطلع شوند که بمجرد ابتلای اشخاص بمعالجه بپردازند بعلاوه مواظبت تام دارند که در بازار میوجات بد بفروش نرسد

فرانسه موافق روزنامهٔ پاریس اغتشاش و یاغیگری مملکت الجزایر که ظاهرا خوابیده و رفع شورش شده بود مجدداً در اکثری از اهالی آن مملکت این اغتشاش برپا شده و شدت یافته است بجهة قلع و قمع یاغیان قشونی مامور نموده اند از جمله قشونی تاکنون از شهر تولن که در جنوب فرانسه واقع است مامور گردیده و هرچند این اغتشاش شدید و موجب استیحاش مردم گردیده است ولی اکنون که در مقام رفع آن برآمده اند امیدواری دارند که دفع شود و لکن از قراریکه نوشته اند بجهة دستگیر نمودن یاغیان الجزایر که باعث فتنه و فساد اکثری از بلاد شده اند هشتاد هزار نفر قشون مسلح لازم خواهد بود و تحمل مخارج گزاف باید نمود

عثمانی مورخهٔ دوازدهم ماه او درخصوص تمرد و یاغیگری طایفهٔ شمر نوشته بودند که از غایت طغیان بشهر سنجار و حول و حوش آن حمله ور گشته از نهب و غارت دقیقهٔ فرو نگذاشته اند از جانب دولت برای رفع مادهٔ فساد و آسایش و آرامش عباد و بلاد قشونی مرکب از یک آلای سوارهٔ نظام و هفت باتالیان پیادهٔ نظام بسرکردگی اسمعیل پاشا مقرر و مامور شده اند که در اطفاء نایرهٔ شرارت و اندفاع مادهٔ نهب و غارت آنها فوق العاده اهتمام نموده جمعیت آنها را پراکنده و مقهور ساخته حتی المقدور از قتل و شر آن طایفه طاغیه کوتاهی نمایند مامورین در قلع و قمع یاغیان کوشیده آنها را مغلوب و منکوب نمودند و از ایشان بسیاری باسیری بردند که بعضی از جماعت شیخ بودند بقیت کلی از شورشیان از سمت جنوب فرار اختیار نمودند و محل توحش و توهم بوده است که مبادا کرة بعد اخری تهیهٔ عده و عدتی نموده بشرارت و عناد برخیزند و فتنه و فسادی برانگیزند

و از قراریکه از حلب خبر رسیده است بواسطهٔ دزدی و راهزنی که در میانهٔ بلاد موصل و ماردین روی داده است و کاروانان را غارت نموده اند رسم مراودت در میان ولایات مزبوره بکلی مسدود گردیده است

اسپانیا موافق اخباری که از نیویورک میرسد مورخهٔ غرهٔ ماه

اهالی حاوان که واقعه در جزیره کوبا و متعلق بمملکت اسپانیاست بتحریک بعضی مفسدین بهوای خود سری افتاده و بنای یاغیگری را گذاشته اند و بدولت اسپانیا شوریده طالب آزادی گردیده اند دولت مشار الیها بجهة دفع شر آنها سپاهی مأمور و سرداری معین داشته قشون مزبور بحوالی شهر مذکور رسیده و بمحاربت و مقاتلت مشغول گردیده اند جمعی کثیر از یاغیان کشته و جمعی غیر مطیع و منقاد شده اند لکن هنوز آن صفحات دوچار انقلابات زیاده میباشد و قشون مزبوره با طوائف مذکوره در ستیز و آویز هستند آنچه محقق و معلوم است یاغیان مقهور و تماماً دستگیر سپاه غیور اسپانیا خواهند شد

اخبار مختلفه

داخله

دار الخلافه محله عودلاجان صبح روز سه شنبه خرداد بودند که شب مزبور از خانه علیخان قاجار بهار بادی مبلغ یکهزار تومان وجه امپریال و صاحبقران برده اند حاجی میرزا تقی وکیل الرعایا بانجا رفته از وضع دزدی و جا و مکان تنخواه معلوم مینماید که از خارج احدی بانجا نیامده است و کار اهل خانه و نوکر است که از جا و مکان تنخواه اطلاع داشته اند با طلاع محمد علیخان سرتیپ نظمیه قرار شد که همسایهای خانه خبر دهند و آنشب را باصطلاح خاک انداز ان نمایند هرگاه تنخواه را بجای خود انداختند فبها المطلوب و الا از کسانیکه گمان بیکار باینها میرود مطالبه شود همانشب نصف تنخواه را بجای خود انداخته بودند و صدق بتعیین پیوسته بود ثانیاً تهدیدی در ینباب شده شب دیگر ثلثی از آن تنخواه نیز بجای خود آمده بود و مجدداً تهدیدات در ینباب شده و تا چند شب دیگر تمام تنخواه را بجای خود انداخته بودند و صاحب تنخواه آسوده شده بدعاگوئی پرداخته است

ولایات

اصفهان یکی از نسوان ولایت اصفهان رسم به پیش گرفته از ارتکاب افعال ناصواب اجتناب نمینمود برادری که داشت آنچه او را نصیحت پیش نمود تهدید و وعید اظهار داشت مفید نیفتاد روزی او را ضربتی زده شربت هلاک چشانید مادر آن دختر که وارث او بود در محضر شرع و مجلس عرف از قتل او اظهار خرسندی و از پسر اعلام رضامندی نمود و بدکاری او در دیوان حکومت و نزد امنای شریعت مکشوف و معلوم گردید متعرض قاتل او که برادر او بوده وارز وی غیرت بدون اینکه اراده قتل داشته او را ضربت زده نگردیدند

در اوقاتیکه ناظم الملک بمرض موت مبتلا بود در حوالی مورچه خورت اموال نصر الله بیک یاور قورخانه را برده بودند حکومت ماموری نزد حسینقلیخان بختیاری روانه داشته مشار الیه سارق را بدست آورده قدری از مال مسروقه را که تلف نشده بود مسترد و سارقین را باصفهان فرستاده است

قزوین جبار نام کاز بجهة تدارک معاشش خواسته بود تا ظروف خانه خود را بمعرض بیع در آورد زوجه او او را مانع گردیده بود از شدت تغیر خود را بچاهی انداخته و تا چند دقیقه فاصله هلاک شده بود

معادل یکعدل لاس از مال رشید نام مکاری (دزفولی) در قریه جرندق از بردهند پس از عرض بحکومت ماموری روانه جرندق نمودند که سارق را معلوم و مال او را مسترد دارد در همانشب که مامور مزبور بجرندق آمده بود لاس مزبور را پاسی از شب گذشته آورده در جای خودش انداخته و بصاحبش رسیده روز دیگر مامور مزبوره با قبض وصول مال مسروق بتعزدین مراجعت نمود

خارجه

انگلیس یکی از قضاة انگلیس را که در شهر مادراس واقعه در هندوستان اقامت داشت بزوجه خویش رغبت نبود و پیوسته در صدد دست از او بود که تجدید فراش نماید چون بواسطه قانون مذهب عیسوی او را طلاق نمیتوانست گفت تدبیری اندیشیده راه و رسم مسلمانی پیش گرفت و بدین وسیله بی اندیشه و تشویش زنی جدیدة الاسلام که بتازگی در مسجد دلوده واقعه در هندوستان کیش مسلمانان پذیرفته بود بعقد نکاح در آورد

ینکی دنیا اگرچه از وحشیان ینکی دنیا مذمت بسیار نوشته اند لکن جنسی نیز دارند که در واقع جای تحسین است و آن اینست که بحسن وفا و وفای عهد ستوده اند چنانکه از شهر بنوبولت ینکی دنیا نوشته اند که در تکناس شخصی از طایفه شکتو چند سال قبل معروف بقتل نفسی گشته ولی چون ثبوت نرسید اجرای حکم قصاص در باره او نگردید در این اواخر که قاتلی دیگر کشته و جرمش ثابت گشته بود لهذا او را گرفته بقصاص او حکم کرده بودند شخص مزبور استدعا نموده بود که بیست روزه او را مهلت دهند این مسئول بقبول مقرون گردیده بدان تعهد نمود که در روز بیستم حاضر سیاست گاه بوده باشد و بشهر خویش روانه گشت پس از انقضای مدت مهلت شخص وحشی از عهده عهد خود برآمده بتعجیل تمام بسیاستگاه معاودت نمود در حالتی که مادر و سه برادر و سه خواهر او نیز بهمراهی او آمده بودند ولی این اقارب از قتل او بکلی فارغ و مطلقا ملالت از آنحالت در دل نداشتند چنان خرم بودند که گویا انعقاد عروسی می پنداشتند تابوتی بجهة او مهیا داشته بودند شخصی گفت که این تابوت برای جثه او کوچک است برادرش بجهة امتحان خود رفته و در تابوت خفته پس از آن برخاسته تبسم کنان گفته بود که این تابوت با قامت او باندازه و برابر است در این هنگام هنگامه خنده و شوخی در میان افتاده و سخنی جز بطالت نمیرفت پس از تهیه اسباب قصاص شخص وحشی برحسب حکم زانو زده مهیای قتل و منتظر مرگ شد خواهرش چشمهایش و برادرش دستهایش بسته میر غضبی بفاصله ده قدم ایستاده تفنگ خود را ببغل کشید تفنگ ناگهانی بدر رفته و گلوله بجای دیگر نشست شخص قاتل بخیال آنکه تفنگ با و خالی شده از شدت واهمه و بدحالی لرزه براندامش افتاده و زبانش از گفتار باز ماند سینه اش را یکی از برادران بیاروطه آب دهان نشان نموده ثانیاً گلوله بهمان محل نشان وارد آمده جان سپرد جز مادر که اشک از گوشه چشم روان بود بر سایر همراهان مرگش آسان بود یکی از برادران مادر را نصیحت آغاز کرد که هر چند زاری پیش گیری مرده باز نگردد و همان به که صبر پیش گیری و دنباله کار خویش گیری

رئیس کل دار الطباعه ممالک محروسه ایران صنیع الدوله محمد